

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۳۱ اکتوبر ۲۰۲۱

سخنرانی بهرام رحمانی در کلاب هاوس جامعه آزاد و دموکراتیک-هفتم اکتوبر ۲۰۲۱ (به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربودن عبدالله اوجالان)

توضیح: به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربودن رفیق عبدالله اوجالان دو سمینار برگزار شد اولی توسط کلاب هاوس جامعه آزاد و دموکراتیک و دومی در زوم توسط کمیته آزادی عبدالله اوجالان. در هر دو سمینار چند نفری از تحلیلگران سیاسی و فعالین اجتماعی سخنرانی کردند که من هم یکی از آنها بودم. آنچه که در زیر ملاحظه می کنید دو بحث من در این دو سمینار است.

اجازه بدهید قبل از این بحث را آغاز کنم از دست اندرکاران کلاب هاوس جامعه آزاد و دموکراتیک تشکر کنم که مرا هم به این سمینار دعوت کردند.

بحث را با چند سؤال آغاز می کنم. سؤال این است که تاریخ انسان چگونه ساخته می شود؟ یا انسان ها در ساختن تاریخ جامعه خویش چه نقشی ایفا می کنند؟

البته جواب به این نوع سؤالات چندان هم ساده نیست اما به نظر من تاریخ انسان مجموعه وقایعی است که در طول زمان برای انسان های روی کره زمین اتفاق افتاده است. تاریخی انسان باستان با اختراع خط آغاز شده که به صورت مستقل از یکدیگر، در بسیاری از نقاط زمین رخ داده است و امکان ثبت و انتقال خاطرات و تجربیات بشری و راهی برای ارتباط با یکدیگر را فراهم ساخت تا زمینه ساز رشد دانش شود. با این حال درک بهتر تاریخ بشری، نیازمند مراجعه به دوران ماقبل تاریخ است.

به دلیل سخن به درازا نکشد فقط اشاره کنم که در اواسط قرن ۱۵ میلادی، اختراع یوهانس گوتنبرگ صنعت چاپ مدرن انقلابی در ارتباطات به وجود آورد و کمک کرد تا قرون وسطی به پایان رسیده و رنسانس اروپا و انقلاب علمی پدید آیند. در قرن ۱۸، انباشت دانش و فناوری در اروپا به حدی رسید که جرقه های انقلاب صنعتی زده شد.

بحث «نقش شخصیت ها در تاریخ» از مباحث مهم فلسفه نظری تاریخ و جامعه شناسی تاریخی پویا است. با توجه به تعریف های مختلف از عنوان شخصیت در علوم مختلف و حتی از نگاه فیلسوفان تاریخ، منظور از شخصیت در این پژوهش، مجموعه ویژگی های روحی و جسمی یک فرد است، جدا از این که این فرد از نخبگان و نوابغ باشد یا یک فرد عادی. این تعریف با تعریف جامعه شناسی جدید و نیز تعریف برخی فلاسفه تاریخ از شخصیت، منطبق است.

منظور از تاریخ در مباحث فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی تاریخ پویا، فرآیند کلی حوادث و تحولات جوامع انسانی در طول زمان است که معمولاً پدیده‌ای و رای رخدادها و انسان‌هاست و نیز هویتی مستقل از رخ دادها و اشخاص و محیط بر آن‌ها دارد.

در جامعه‌شناسی جدید، دیدگاه جامعه‌شناسان سنتی را نقد می‌کنند و معتقدند که نقش‌شناسی و نقش‌آفرینی هر فرد در پاسخ به الگوهای اجتماعی رسمی، تنها بخشی از شخصیت فرد را می‌سازد. و در کنار این جنبه از شخصیت فرد، نیروهای عظیم درونی هر فرد، از قبیل ارزش‌های بنیادی وی، هدف‌های زندگی و فهم او از هویت خویش و نظایر آن، بخش بنیادین شخصیت هر فرد را می‌سازد. طبعاً این ویژگی‌های بنیادین شخصیت فرد نیز همچون نقش‌شناسی وی بر اساس الگوهای اجتماعی، در نقش‌آفرینی او تأثیر به‌سزایی دارد.

فیلسوفان چپ، شخصیت فرد را پدیده‌ای اجتماعی و ساخته شده توسط جامعه می‌دانند که متقابلاً شخصیت اجتماعی فرد نیز در جامعه تأثیر می‌گذارد.

گسترش مطالعات و نظریه‌پردازی‌ها درباره انسان از ابعاد و زوایای مختلف و با استفاده از روش‌ها و منابع متنوع از سویی، و انشعاب و تفکیک علوم از سوی دیگر، موجب شده است تا بحث انسان و شخصیت او و جایگاهش در جهان هستی، در پهنه وسیعی از مکاتب فلسفی و رشته‌های علمی طرح و بررسی شود.

با توجه به مقدمه فوق، باید توجه داشت که موضوع «نقش شخصیت‌ها در تاریخ»، به خودی خود بحثی میان رشته‌ای و در ارتباط با دانش‌هایی چون تاریخ، فلسفه، روان‌شناسی، اخلاق، فلسفه اخلاق، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، به‌ویژه جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ است.

منظورم از این سؤالات این است که به نقش رفیق عبدالله اوجالان معروف به «آپو-یعنی عمو) در ساختن تاریخ خود و جامعه به‌ویژه جامعه کرد در خاورمیانه بپردازم. کسی که ۲۳ سال است در جزیره‌ای در نزدیکی استانبول به‌نام «ایمرالی» ایزوله شده است و تنها زندانی این جزیره است. گاهی این سؤال در ذهن انسان نقش می‌بندد آیا انسانی که ۲۳ سال است به غیر از دوره‌های کوتاهی در ملاقات‌ها و یا دوره‌ای که دولت ترکیه مجبور شده بود در زندان با وی گفت‌وگوی صلح کند هم‌صحبتی نداشت آیا سخن گفتن یادش نمی‌رود؟ آیا هوش و حواس خود را از دست نمی‌دهد؟ توجه کنیم آن‌هم در شرایطی که وی در این زندان به‌طور مداوم زیر شکنجه‌های روحی و جسمی قرار داشته و هنوز هم دارد. واقعیت‌ها و شواهد نشان می‌دهند که این مسایل نه تنها در مورد آپو صدق نمی‌کنند، بلکه وی امروز بیش‌تر از زمانی که آزاد بود و مبارزه می‌کرد تأثیرگذارتر و محبوب‌تر شده است. امروز آپو نه تنها در خاورمیانه پرتلاطم و بحرانی، بلکه در جهان نیز چهره شناخته شده‌ای است و بسیاری از فعالین سرشناس سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری احترام خاصی به وی قائلند.

سازمان‌های امنیتی ترکیه، عبدالله اوجالان معروف به «آپو» را فوریه ۱۹۹۹ با همکاری و تیبانی پلیس مخفی‌های اسرائیل، آمریکا، یونان و ناتو از کنیا ربودند و به ترکیه انتقال دادند.

وی در سال ۱۹۹۸ از سوریه خارج شد. چرا که حضورش در سوریه می‌رفت که به یک بحران بزرگی میان حکومت سوریه و ترکیه منجر شود.

در واقع در سال ۱۹۹۹، از خط و نشان‌هایی که دولت ترکیه برای سوریه می‌کشید عبدالله از شام و حلب به‌آتن و مسکو و دوشنبه رفت و بعد هم به رم پایتخت ایتالیا رسید. از رم به سفارت‌خانه یونان در کنیا رفت و بالاخره در آن‌جا دستگیر و به استانبول بازگردانده شد.

خبری دستگیری وی را «بولنت اجویت» نخست وزیر وقت ترکیه، اعلام کرد. وی گفت که جزئیات دستگیری وی هیچگاه افشا نخواهد شد. به ادعای او، اوجالان در عملیاتی هماهنگ توسط سازمان اطلاعات ترکیه (میت) و سازمان اطلاعات ارتش ترکیه طی ده روز دستگیر شد.

دادگاه، نخست اوجالان را به اعدام محکوم کرد. اما حکم اعدام رهبر حزب پ.ک.ک، پس از این که در اوت ۲۰۰۲ قانون اعدام در این کشور لغو شد، در حال سپری کردن حکم حبس ابد در جزیره امرالی در حومه استانبول است. اوجالان تنها زندانی سیاسی در این جزیره است. پیش‌تر نیز «بیلماز گونی» سینماگر نامدار کرد ترکیه در آن‌جا زندانی بود. وی سرانجام از آن‌جا به یونان فرار کرد و سپس به سوئیس و نهایت ساکن فرانسه شد. دولت فرانسه برای این که رابطه اش با دولت ترکیه بحرانی نشود هرگز به بیلماز گونی پناهندگی نداد اما اخراجش هم نکرد تا این که سرانجام وی در سن ۴۷ سالگی، در پاریس درگذشت. دولت ترکیه به‌طور غیابی برای بیلماز ۱۱۰ سال زندان صادر کرده بود.

عبدالله اوجالان در سال ۱۹۴۹، در یک خانواده دهقانی کرد دیده به جهان گشود. استان‌های کرد ترکیه، همواره فقیرترین بخش‌های این کشور بوده‌اند که البته این وضعیت تا حدی به سبب سیاست‌های نژادپرستانه حکومتی بوده که علیه مردم کرد تبعیض قائل شده است.

اوجالان در ابتدای دهه ۷۰ میلادی، با ایجاد «جریان انقلابیون کرد» پایه‌های PKK را بنیان گذاشت. جریان «انقلابیون کرد» (SK)، یک سازمان انقلابی با افکار سوسیالیستی بود. SK در دوران خود، محصول چپ جدید در ترکیه بود. اما تمایزات حائز اهمیتی با نیروهای چپ موجود داشت. این سازمان تا حدودی اندیشه جامعه‌شناس ترک، «اسماعیل بشیکچی» را اتخاذ کرد. وی بر این باور بود که «کردستان» یک مستعمره بین‌المللی است که توسط ترکیه، ایران، سوریه و عراق به تصرف در آمده است.

هنگامی که در سال ۱۹۷۷، این سازمان تحت عنوان PKK سازمان‌دهی شد، حمایت بخشی از کارگران کرد را به دست آورد که از نواحی روستایی و یا شهرهای کردستان با هدف کسب معاش راهی شهرها شده بودند. PKK در مقایسه با سایر سازمان‌های کرد «تنها سازمانی بود که اعضای آن تقریباً به‌طور خاص متعلق به پایین‌ترین طبقات اجتماعی بودند؛ جوانان نیمه تحصیل کرده روستاها و شهرهای کوچک بودند که سرسختانه مخالف تبعیض و سرکوب بودند». PKK همچنین از نظر مبارزه مسلحانه پیگیر و جدی نیز یک سازمان استثنایی بود که آن را به وظیفه ای مبرم تبدیل کرد.

گرایشات مائوئیستی و «جهان سوم‌گرایی» در بین چپ ترکیه در آن زمان دست بالا را داشتند و بیانیه‌های اولیه- PKK به‌وضوح حکایت از همین تأثیرات دارد. آن‌ها در بیانیه‌هایشان اعلام کردند که هدف فوری انقلابی «ملی-دموکراتیک» برای یک «کردستان مستقل و دموکراتیک» است. شکل مبارزه «جنگ خلقی» مبتنی بر دهقانان به‌رهبری PKK بود که هم‌زمان گفته می‌شد نماینده طبقه کارگر است. متحدان انقلاب «کشورهای سوسیالیست»، هرچند احزاب حاکم بر اتحاد شوروی و چین به‌عنوان «تجدیدنظرطلب» نقد می‌شدند و نیز «احزاب طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری» و «جنبش‌های آزادی‌خواه مردمان تحت ستم جهان» بودند بنابراین، پس از انقلاب «ملی-دموکراتیک» قرار بود مبارزه به‌سمت یک انقلاب سوسیالیستی حرکت کند. این نوع تقسیم‌بندی‌ها در سیاست‌های آن دوره سازمان‌ها و احزاب چپ غالب بود.

هنگامی که در سپتامبر سال ۱۹۸۰، ارتش ترکیه دست به کودتا زد، دیگر PKK به یک حزب قدرتمند کردی در ترکیه تبدیل شده بود. در حالی که پس از این کودتا، چپ ترکیه به شدت سرکوب شد و هزاران نفر بازداشت، شکنجه و کشته شدند.

اوجالان از این قلع و قمع جان سالم به در برد؛ زیرا مدتی پیش از کودتا، به لبنان و از آنجا به سوریه رفته بود. حکومت وقت سوریه در رقابت با حکومت ترکیه، به اوجالان اجازه داده بود که پایگاهی عملیاتی در سوریه ایجاد کند. PKK جنگ چریکی خود علیه حکومت ترکیه را آغاز کرد، جنگی که در میانه دهه ۹۰ میلادی به اوج خود رسید. به گفته رهبر کنونی PKK، «دوران کالکان»، «این فقط به خاطر ارزش نظامی نیست، بلکه مهمتر از آن معنای ایدئولوژیک و اخلاقی دارد.»

کالکان با اشاره بهکنگره ۱۹۸۶ حزبشان چریک یا گریلا را اینچنین توصیف کرده است: «چنین چریکی به لحاظ ایدئولوژیکی گسستی کامل از نظم حاکم دارد؛ او تا حد معینی از نظام سلسله مراتبی حکومت و قدرت می گسلد. به همین دلیل است که در کنگره سوم، بازسازی جدی ایدئولوژیک در مفهوم سوسیالیسم واقعا موجود انجام گرفت؛ خط سوسیالیستی واقعا موجود آزادی و حقوق برابر فردی، خانوادگی و خرده بورژوازی کنار گذاشته شد. چنین اقدامی همچنین پیامدهایی درون جامعه دارد و موجب تغییراتی در جهت نزدیکتر ساختن آزادی و برابری می شود. این اقدام زندگی خانوادگی فردی را نابود می کند.»

عبدالله اوجالان، طی ۲۳ سالی که در زندان امرالی است، همواره تلاش کرده بنیادهای سیستمی را پیریزی کند که «خودگرانی دموکراتیک»، «خودمدیریتی دموکراتیک» و یا «کنفدرالیسم دموکراتیک» نامیده می شود. به عقیده من جدا از هر نامی که بر آن گذاشته شده این سیستم همان سیستم شورایی است که مردم از پایین و مستقما و بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و باورهای سیاسی و مذهبی در مجامع عمومی خود، قوانین مورد نیاز جامعه شان را وضع می کنند و خودشان هم پیش می برند. در واقع در این سیستم، مدل «دولت-ملت» وجود ندارد و نمایندگانی که به رده های بالای ارگان های مردمی انتخاب می شوند مجری اهداف و سیاست های شوراهای و انجمن ها و اتحادیه هایی اند که مردم در مجامع عمومی خود تدوین و تدقیق کرده اند.

عبدالله اوجالان، در نوروز سال ۲۰۱۳، با انتشار پیامی کتبی که از سوی «سری ثریا اوندور» نماینده پارلمان ترکیه در شهر کردنشین دیاربکر قرائت شد از ضرورت «خاموش کردن سلاح ها» سخن گفته بود. در همین ارتباط، دولت ترکیه و حزب کارگران کردستان در سال ۲۰۱۳، بر سر برقراری آتش بس به توافق رسیدند و «مذاکرات صلح» بین نمایندگان دولت از یکسو و عبدالله اوجالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان از طرف دیگر، صورت گرفت.

دولت حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تا اوایل سال ۲۰۱۵، در حال مذاکره با اوجالان رهبر زندانی پ.ک.ک که اکنون اکثریت مردم کرد و تشکلهای مدنی و سیاسی کردستان، رهبری آپو را پذیرفته بودند.

البته مسأله مردم کرد در ترکیه، سابقه ای به اندازه تاریخ جمهوریت دارد. در طول جمهوریت در ترکیه، مردم کردستان ترکیه، ۲۹ بار دست به عقیم زده اند. میزان تلفات جانی و مالی وارده به طرفین و اخبار درگیری ها و بمباران مناطق مختلف داخلی و مرزی نشان می دهد که پ.ک.ک کماکان در برابر ارتش و دولت ترکیه از قدرت مانور بالایی برخوردار است. در کنار این موضوع دستگیری های صورت گرفته وسیع، خصوصا در یک سال گذشته از اعضای اتحادیه جوامع کردستان، نشان می دهد که پ.ک.ک دیگر نه تنها در اردوگاه ها و کوه ها، بلکه در شهرها نیز حضور سنگین و غیرقابل انکاری دارد.

بعد از شکست پروسه صلح و آغاز حملات نظامی ارتش ترکیه به پ.ک.ک و مردم کردستان ترکیه، نیروهای حزب کارگران کردستان در یک سال گذشته، دست به مقاومت زدند و مواضع دولت ترکیه را هدف قرار دادند. همزمان در

برخی مناطق کردستان، خودمدریتی دموکراتیک اعلام گردید و مقاومت مردمی بی‌نظیر در شهرها و روستاهای کردستان شکل گرفت.

در جریان حملات وحشیانه نیروهای دولتی و مقاومت مردمی، در شهرهایی همچون «سور» و «نسیبین» علاوه بر تخریب اماکن مسکونی، صدها غیرنظامی جان‌شان را از دست دادند و ده‌ها هزار نفر مجبور به کوچ و ترک خانه و کاشانه‌شان شدند.

جنگی که دولت ترکیه از تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۱۵، نخست با بمباران اردوگاه‌های پ.ک.ک توسط اف ۱۶ نیروی هوایی ترکیه در کوه‌های قندیل و سپس حمله ارتش و نیروهای امنیتی ویژه به تمام روستاها و شهرهای کردنشین، به مردم کردستان تحمیل کرده است. اما مقاومت سرسختانه و سیاست‌های تحسین برانگیز مردم کردستان در اعلام خودمدریتی دموکراتیک که در کانتون‌های روژاوا تجربه شده، شرایط و تحولات فعلی میان پ.ک.ک و مردم کردستان و دولت ترکیه نشان می‌دهد که هنوز دولت برای خروج از بن‌بست مسأله مردم کرد و حل این معضل نیاز درمانده شده است. معضل مردم کرد در ترکیه و منطقه یک زخم قدیمی است که با هر حرکتی دهان باز می‌کند. این زخم نه به‌مسکن، بلکه به‌درمان ریشه‌ای نیاز دارد و آن هم با مبارزه متحدانه و برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه مردم و در پیشاپیش همه طبقه کارگر سراسر ترکیه امکان‌پذیر و عملی است. به خصوص که الان دولت ترکیه و در راس همه رجب طیب اردوخان اعتبار خود را در نزد بخش عظیم مردم کرد به‌خصوص مردم کرد از دست داده است اجبارا دیر یا زود به‌خواسته‌های مردم کرد گردن خواهد گذاشت در غیر این صورت ادامه جنگ داخلی و ترور و بمب‌گذاری‌ها در ترکیه اجتناب‌ناپذیر است. وضعیتی نگران‌کننده که عامل اصلی دولت ترکیه است.

با نگاهی به نتایج انتخابات پارلمان ترکیه در ۷ ژوئن ۲۰۱۵ می‌توان از جریانات داخلی ترکیه باخبر شد. در ۱۲ استان کردنشین ترکیه در جنوب شرقی این کشور حزب دموکراتیک خلق‌ها متوسط ۸۶ درصد آراء را کسب کرده است. برای جدایی داخلی در ترکیه اکنون شرایط به‌نحوی رقم خورده است که یک جرعه کوچک هم کافی است. اعتصاب، عصیان، شورش، درگیری مسلحانه و هر نوع اقدام دیگر در استان‌های جنوب شرق ترکیه توسط مردم کرد توانسته کردهای استانبول، ازمیر، آدانا و سایر شهرهای ترکیه را نیز تحت تاثیر قرار دهد. به‌علاوه بخشی از طبقه کارگر ترکیه و احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست نیز حامی مردم کردستان هستند.

رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوخان، در همکاری با گروه‌های تروپستی اسلامی و فاشیستی همچون دولت اسلامی (داعش)، مردم کردستان سرویه و ترکیه و پ.ک.ک و سایر مخالفین خود در سراسر ترکیه را هدف قرار داد. با وجود مطالبات بیش از اندازه واشنگتن از ترکیه برای استفاده از پایگاه «اینجیرلیک» علیه داعش این مسأله یک سال ادامه داشت و ترکیه اجازه آن را نمی‌داد. در واقع سال گذشته این پایگاه را در اختیار آمریکا قرار داد و بلافاصله حمله به پایگاه‌های پ.ک.ک را آغاز کرد. اقدامی که احتمالا آمریکا به‌آن چراغ سبز نشان داده بود.

دولت ترکیه در حالی که مردم کرد را دشمن پنداشته و بی‌رحمانه سرکوب می‌کند. در حالی که خبر همکاری دولت و پلیس ترکیه با داعش بارها درز و فاش شده است، خرید نفت و مبادله دولت ترکیه با داعش علنا صورت می‌گرفت، حتی تانکرهای نفت داعش در مرز ترکیه توسط جنگنده‌های روسی بمباران شدند. عکس‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، از همکاری پلیس ترکیه با افراد داعش در مرزها بارها منتشر شده است، بیمارستان‌های ترکیه پر است از افراد زخمی داعش که توسط آمبولانس‌های ترکیه منتقل شده‌اند، کمک پلیس ترکیه در جابه‌جا کردن و انتقال اعضای داعش به‌مکان امن بارها صورت گرفته است.

چند سال پیش فیضی اوغلو رییس اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری ترکیه در گفت‌و‌گوبا خبرنگاران از اقدام روزنامه جمهوریت این کشور برای انتشار تصاویر ارسال سلاح از ترکیه به‌گروه‌های تروریستی در سوریه، حمایت کرد. وی با اعلام حمایت از روزنامه جمهوریت و «جان دوندار» مدیر مسئول این روزنامه گفت: «وظیفه مطبوعات افشای این قبیل جرایم و اطلاع‌رسانی به‌مردم است.»

وی اضافه کرد: «اقدام روزنامه جمهوریت در انتشار خبر و تصاویر ارسال سلاح توسط کامیون‌های سازمان اطلاعات ترکیه (میت) به‌سوریه را نمی‌توان در چارچوب قوانین جزایی ترکیه ارزیابی کرد.» تلاش کردند جان دوندار را روز روشن در مقابل دادگستری ترور کنند که تیرها به‌وی اصابت نکرد اما یک روزنامه‌نگار زخمی شد.

به‌عقیده من، یک دلیل عمده قطع مذاکرات صلح با اوجالان توسط دولت، تاثیر پیام‌های اوجالان در جامعه و پیروزی چشم‌گیر حزب دموکراتیک خلق‌ها و اولین‌بار اشغال ۸۰ کرسی پارلمانی توسط این حزب بود. البته آن‌چه در این میان مهم است و به‌عنوان بخشی از سیاست ترکیه در این مقوله از آن یاد می‌شود، ترفند مذاکره دولت با اوجالان بوده است، چون کارشناسان معتقدند که رجب طیب اردو خان (رییس جمهور کنونی و نخست وزیر سابق ترکیه)، با این ترفندها درصدد بی‌تاثیر کردن مبارزات پ.ک.ک و جمع‌آوری آرای مناطق کردنشین به‌نفع خود بوده است.

۲۳ سالی است که اوجالان در است فقط در دوره کوتاهی که مذاکرات صلح در جریان بود به‌درخواست اوجالان دو تن از کادرهای پ.ک.ک که در زندان دیگری بودند به‌زرد وی انتقال داده شدند تا از مذاکرات نت‌برداری کنند و با آن‌ها هم‌فکری کند. اما به‌محض این که مذاکرات قطع شد باز آن دو نفر زندانی را به‌زندان دیگری انتقال دادند و اوجالان باز هم تنها زندانی جزیره معروف ایمرالی است. وی در این سال‌ها، به‌مطالعه و تحقیق پایه‌های سوسیالیسم علمی پرداخت. عبدالله اوجالان، لنین، انگلس مارکس، لئو هوبرمان، بوکچین و... را خوانده و حدود ۱۰۰ جلد کتاب نوشته است. اما از میان همه این‌ها، شاید بیش از همه بتوان ردپای ایده‌های ماری بوکچین را در نوشته‌های زندان اوجالان یافت. بوکچین، پایه‌گذار ایده اکولوژی اجتماعی یا جریان موسوم به‌اکوآنارشیسم، با وجود سابقه‌ای استالینیستی که داشت از دهه ۱۹۴۰ به‌سوی تروتسکیسم کشیده شد و به‌منتقد سرسخت استالینیسم بدل شد. اما هرگز از مارکس و مارکسیسم دور نشد.

بنابر قول همسر بوکچین، وقتی اوجالان در ۱۹۹۹ در کنیا دستگیر شد و بوکچین اخبار وی را شنید او را نیز یکی دیگر از رهبران مارکسیست-لنینیست دانست که به‌دام استالینیسم درافتاده است. بوکچین دهه‌ها بود که منتقد گرایش‌های استالینیستی بود و معتقد بود اینان از تمایل مردم برای دستیابی به‌آزادی سوءاستفاده می‌کنند و آنان را به‌سمت جزم‌اندیشی و دولت‌گرایی و حتی، برخلاف ظاهرشان، قبول سرمایه‌داری سوق می‌دهند. بوکچین، پس از جنگ جهانی دوم که بسیاری از تفکرات انقلابی چپ فروکش کرد و بسیاری از فعالان چپ به‌سمت فعالیت‌های آکادمیک و ژورنالیستی رو‌آوردند، نه تنها روحیه انقلابی‌اش را حفظ کرد، بلکه هرگز از مارکس و مارکسیسم رویگردان نشد.

بوکچین با همکاری رفقاییش در دهه ۱۹۵۰، طی نشست‌هایی هفتگی درصدد عوامل بازسازی پروژه انقلاب در شرایط جدید برآمدند. بوکچین این عامل را تعارض سیستم سرمایه‌داری با محیط زیست تشخیص داد؛ این نظام هم طبیعت را نابود می‌کند و هم سلامت انسان را. در این سیستم با ایجاد کلان‌شهرهایی بریده از طبیعت، تولید و مصرف بی‌رویه کالاهایی بی‌خاصیت که فشاری بیش از حد بر طبیعت می‌آورند، و فشاری که بر مردم می‌آید برای زندگی در این کلان‌شهرها و تطابق با این نظام مصرفی طبیعت و روح و جسم انسانی را نابود می‌شود. بنابراین، بحران سرمایه‌داری

صرفاً ناشی از استثمار طبقه کارگر نیست، بلکه از انسانیت‌زدایی از مردم و تخریب طبیعت نیز ناشی می‌شود. بوکچین بر همین اساس از دهه ۱۹۵۰ تا زمان مرگش در سال ۲۰۰۶ کوشید مبنای یک جامعه اکولوژیک دموکراتیک را پی بریزد.

بوکچین، به‌خصوص در کتاب «اکولوژی آزادی»، به‌تفصیل توضیح می‌دهد که جامعه سلسله‌مراتبی چطور پدیدار شد و بسط یافت، چه مقاومت‌هایی در طول تاریخ در مقابل آن صورت گرفته است، و چگونه می‌توان از شر آن خلاص شد. او لازمه خلاصی از این سیستم‌های سلسله‌مراتبی را برپایی جوامع اکولوژیک دموکراتیک می‌داند.

بوکچین، بر این عقیده بود که برای شکل‌گیری این قلمروهای دموکراتیک، دولت-ملت‌های موجود باید کنار گذاشته شوند و قدرت‌شان به‌شهروندان در این مجامع تفویض شود. چون چنین مجامعی در ابعاد محلی عمل می‌کنند، برای این‌که بتوانند در قلمرو جغرافیایی وسیع‌تر کارایی داشته باشند، باید در قالب کنفدراسیون به‌یکدیگر بپیوندند. این ایده به‌خودی‌خود ایده‌ای انقلابی است. بوکچین مسیر انقلاب را همین‌گونه ترسیم می‌کرد.

بوکچین، تمام تلاش خود را کرد که نیروهای کمونیست و چپ آمریکایی و اروپایی را به‌اهمیت این پروژه قانع کند. اما، در سال‌هایی که او به‌این ایده دست‌یافته بود ذهن آن‌ها چنان مشغول «ماتو و هوشی مین و فیدل کاسترو» و غیره بود که نظرات او را نشنیدند. مباحثی چون اکولوژی و دموکراسی از نظر آنان ایده‌های خرده‌بورژوازی بود. تنها کسانی که حاضر شدند به‌نظرات بوکچین گوش دهند آنارشئیست‌ها بودند که در مواضع ضد دولت با وی اشتراک‌نظر داشتند. اما آنان نیز از آن‌جا که هر شکلی از حکومت، حتی در ابعاد محلی را نیز بر نمی‌تافتند و در ضمن در هواداری از اقلیت‌ها با ایده دموکراسی مبتنی بر رای اکثریت مشکلات جدی داشتند، حاضر به‌همراهی با وی نشدند. کمونالیسم راهی بود برای همین امر؛ برای دستیابی به‌یک‌جای پای محکم برای مقابله با دولت-ملت. او تلاش خود را کرد که آنارشئیست‌ها را قانع کند که این راهی است برای حضور فعال آنارشئیست‌ها در عرصه سیاسی. اما به‌تدریج از آنان هم ناامید شد و کناره گرفت.

اوجالان در زندان کتاب‌ها و جزوات زیادی نوشته تا جایی که به‌مسأله «چاره‌یابی مسأله کرد» از دید وی برمی‌گردد، کتاب «مانیفست تمدن دموکراتیک» و کتاب «نقشه راه» به‌بهترین وجهی عمق دیدگاه‌های «جدید» اوجالان را منعکس کرده است. وی در کتاب مانیفست تمدن دموکراتیک جلد اول و در مقدمه‌اش به‌شیوه دست‌گیریش با توطئه آمریکا و اسرائیل و ترکیه اشاره دارد، و برخوردهایی که با وی صورت گرفته و همچنین نحوه دست‌گیریش را به‌نوعی فرهنگ برگرفته از کاپیتالیسم و ملی‌گرایی ترک می‌داند.

در بخشی از کتابش «مانیفست تمدن» می‌گوید: «... این «روش» راه و شیوه قدرت-جنگی است که در تاریخ بسیار با آن مواجه گشته‌ایم و امروزه نیز تا حد حفاظت‌های جامعه ترویج داده شده است. اروپا و تا حدودی ایالات متحده آمریکا، به‌مثابه نیروهای هژمون نظام کاپیتالیستی، از روش قدرت-جنگی که چهارصد سال به‌اجرا درآمده، درس‌های لازم را فرا گرفته، بدون تخریب کامل دولت-ملت (زیرا دلیل اصلی جنگ‌های داخلی و خارجی این نوع سازمان‌دهی قدرت است) سعی می‌کنند آن را به‌صورت واحدهای فدرال از نو بسازند. آن هم از طریق دخالت دادن شناسه‌هایی (ابزاری) همچون حقوق بشر، جامعه مدنی، و دموکراتیزاسیون. آشکار است که می‌خواهند دولت-ملت را از شکل قاطع گذشته خویش منعطف‌تر سازند و به‌وضعیت یک ابزار دولتی درآوردند که گرم‌گشا‌تر باشد. در روسیه و چین نیز رویدادهایی مشابه وجود دارند...»

آپو در این کتاب، از مسأله دولت-ملت گسست می‌کند در نتیجه برای اوجالان و پ.ک.ک، که به‌دنبال تشکیل حکومت کردی بر مبنی هویت کردی بودند، این مسأله دیگر به‌کلی منتهی است و «حکومت کردستان بزرگ» که شامل بقیه

بخش‌های دیگر کردستان در عراق، سوریه و ایران بود نیز منتفی است. طبق دیدگاه اوجلان، دولت-ملت در حکومت کردی نیز نمی‌تواند تجلی اراده تمام کرده‌های دارای اقلیت‌های دیگر باشد، در این راستا، پس اساساً حکومت کردی هم سرایی بیش نبوده و هر کدام از کردستان‌های دیگر بایستی راه‌چاره را با سهیم‌شدن در قدرت مرکزی دنبال کنند. تلاش برای سهیم شدن در قدرت سیاسی حکومت‌های منطقه که مردم کرد زبان در آن زندگی می‌کنند، بخش جدانشدنی استراتژی کل ناسیونالیسم کرد بوده و هست.

اوجلان در کتابی دیگر، تحت عنوان «نقشه راه» بحران ترکیه را بررسی و نقشه خود، برای برون‌رفت ترکیه از آن‌چه که از نظر وی بحران گفته می‌شود را در «دمکراتیزاسیون» ارائه می‌دهد.

فاصله‌گرفتن اوجلان از یک‌سو از ناسیونالیسم و از سوی دیگر ایده‌های متنوع آن‌ها از کنفدرالیسم دموکراتیک بود. کردهای ترکیه و سوریه استقلال نمی‌خواهند، بلکه خواهان خودمیریتی برپایه سوریه و ترکیه‌ای دموکراتیک هستند. همین ایده‌های بوکچین بود که اوجلان آن‌ها را برای پی‌ریزی KCK به‌کار گرفت. اوجلان به‌درستی دولت را مکانیسم سرکوب و «شکل سازمان‌یافته طبقات حاکم» و «یکی از خطرناک‌ترین پدیده‌ها در تاریخ» می‌داند که برای دموکراسی و آزادی همچون سمی مهلک است و با وجود آن «نمی‌توان یک نظام دموکراتیک برپا کرد». بنابراین برای تحقق دموکراسی نه باید تمرکز تلاش‌ها را بر دولت گذاشت نه بر تبدیل‌شدن به‌دولت، چرا که این به‌معنای از دست رفتن دموکراسی است و مردم را ملعبه دست نظام سرمایه‌داری می‌کند. (اوجلان، ۱۳۸۳)

در پیام نوروزی سال ۲۰۰۵، عبدالله اوجلان خواستار تشکیل ساختاری شد که به‌نهاد جوامع کردستان (ک.ج.ک) معروف شد. احتمالاً این یکی از نخستین مواضع رسمی اوجلان به «کنفدرالیسم دموکراتیک» است. دستور کار ک.ج.ک، اشاعه و تلاش برای به‌اجرا گذاردن اهداف تازه اوجلان بود. با توجه به‌زندانی بودن اوجلان، هیئتی متشکل از چند نفر، رهبری تشکیلات را با عنوان کنگره خلق کردستان، برعهده گرفته است. این تغییر شکل از رهبری یک نفره به‌رهبری چندنفره، خود سرآغاز پیاده‌سازی کنفدرالیسم دموکراتیک به‌طور عملی بود. در شوراها یا منابع قدرت سیاسی، رهبری دو نفره الزامی شد که یکی از دو مسئول، الزاماً باید زن باشد.

با این تغییر ریل سیاسی که اوجلان در پیش گرفته بود پ.ک.ک هم باید بازسازی جدیدی می‌شد. این حزب یک نهاد فکری-سیاسی است که کار جهت‌دهی فکری اعضا را بر عهده دارد: «این نهاد یک سازمان اجرایی نیست و اختیار جهت‌دهی عملی را ندارد، تنها وظیفه آن نظارت بر فعالیت‌های فکری-ایدئولوژیکی و انجام آموزش‌های ایدئولوژیکی جهت کادرهای تمام بخش‌های کردستان است. عناصر استراتژیک اساسی این حزب برای انجام این وظایف فکری-ایدئولوژیک در نظرش «ملت دمکراتیک، صنعت اکولوژیک و اقتصاد سوسیالیستی» است و سیاستش مبتنی بر ایدئولوژی، جامعه‌شناسی، علم، اخلاق، و هنر. (اوجلان، ۱۳۹۲: ۹۸) در این مسیر KCK را پرچمدار می‌داند. (اوجلان، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

در ۴ آوریل ۲۰۰۲، کنگره آزادی و دمکراسی کردستان (KADEK) بنیان‌گذاری شد که آن‌هم یک سال بعد به‌کنگره خلق کردستان (KHK) تغییر نام داد. در این راستا، ساختار عمودی مارکسیست‌لنینیست پ.ک.ک به‌یک سیستم مدیریت افقی متشکل از چندین کمیته تغییر کرد. از جمله این کمیته‌ها عبارت‌اند از: کمیته سیاسی، کمیته اجتماعی، کمیته دفاع برحق (که بعد به‌کمیته دفاع خلق تغییر نام داد)، کمیته بهداشت خلق، کمیته علم و روشنگری، کمیته اقلیت‌ها، کمیته مطبوعات، و کمیته امور مالی و دارایی.

البته پرداختن به آثار و آرمان‌های اوجلان به یک اقدام مستقل بازه زمانی بیش‌تر نیاز دارد. به همین دلیل برمی‌گردم به سیاست‌های دولت ترکیه با عبدالله اوجلان.

دولت ترکیه تلاش‌های «آپو» برای صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌های ترکیه را با مواضع فاشیستی جواب داد. دیکتاتوری اردوخان وقتی که استقبال مردمی از فرایند صلح را دید، آن را تهدیدی تلقی کرد که باید بر هم زده شود. به‌دنبال کودتای سیاسی علیه نتایج انتخابات پارلمانی ماه ژوئن ۲۰۱۵، هجوم هوایی و زمینی ارتش به‌گریلاهای کردستان آغاز شد. از پنج آوریل ۲۰۱۵، همچنین کلیه تماس‌ها با رهبر آپو قطع شد و تاکنون نیز هیچ خبری از زندان امرالی بدست نمی‌آید. سیاست دشمنی با کردها با ورود به جرابلس و حمله علیه روژاوا ادامه دارد. هدف اصلی دولت ترکیه از ایزوله کردن اوجالان، شکستن مقاومت ۲۳ ساله وی در زندان جزیره امرالی و وادار کردن به‌پذیرش شرایط دولت است. بی‌تردید اوجالان همچنان‌که در ۲۳ سال گذشته، نه تنها در مقابل دولت و فشارهای فیزیکی و روحی و روانی آن مقاومت بی‌نظیر کرده، بلکه اکنون تر و ثوری‌ها و سیاست‌هایش فراتر از ترکیه و پ.ک.ک رفته و به‌یک راحل منطقه تبدیل شده است. راحلی که حدود ۱۰ سال است دستاوردهای بی‌نظیر و خیرمکننده انسانی، اجتماعی و سیاسی آن را در کانتون‌های روژاوا (کردستان سوریه) می‌بینیم.

جمع‌بندی

واقعیت این است که انسان موجود متفکری است از این‌رو، همواره تلاش می‌کند به‌راحتل‌های سیاسی و اجتماعی جدیدی دسترسی پیدا کند و موفقیت‌های بیش‌تری به‌دست آورد. اما در این راه، احتمال دارد انسان عقب‌گرد سیاسی کند و به‌گذشته پناه ببرد حتی گذشته‌ای که خودش هم دورانی مخالف آن بود. و یا این که ایده‌ها و افکار و نظریات خود را ارتقا دهد و به‌راحتل‌های سیاسی پیشرو و امکان‌پذیری برسد.

اوجالان به‌دسته دوم تعلق دارد و یک راهپیمایی طولانی و گذر از رنج‌ها، اما در عین حال با قلبی سرشار از عشق و باور به‌موفقیت مبارزه آزادی‌خواهانه و مردمی و تغییر وضع موجود، از افکار پروروسی و چپ ناسیونالیست به‌افکار برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه سوسیالیستی و آنارشیستی را طی کرده است.

بی‌تردید برای تحولات خاورمیانه، باید پیوندهای مبارزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، دست‌کم در ترکیه، سوریه، عراق و ایران را می‌توان محکم‌تر کرد. در این میان یکی از حلقه‌های مهم این پیوند طبقاتی، ارتباط و همکاری با روژاوا و پ.ک.ک است. هر انسان و جریانی که خود را کمونیست و انترناسیونالیست و مساوات‌طلب تعریف می‌کند به‌معنای واقعی نمی‌تواند نسبت به‌وقایع منطقه، به‌ویژه حملات وحشیانه دولت و ارتش ترکیه به‌مردم کرد و روژاوا بی‌تفاوت بماند. هم‌اکنون بخش اعظم سازمان‌های چپ و برابری‌طلب و کمونیست ترکیه با پ.ک.ک در یک صف قرار گرفته‌اند تا با دشمن مشترک خود، یعنی با سیستم سرمایه‌داری ترکیه و به‌طور کلی دم و دستگاه حاکمیت این کشور، با هدف برپایی خودمدیریتی دموکراتیک در سراسر ترکیه، متحمل جنگ و تروریسم دولتی شده و پیکار سخت و دشواری را پیش می‌برند.

هم‌اکنون بسیاری از کمونیست‌های جهان از آمریکا و استرالیا گرفته تا اروپا و ایران در روژاوا در حال ساختن الگوی جدید کمونی هستند. بنابراین، توجیهاتی از قبیل این که به‌حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و اداره سیاسی و اجتماعی روژاوا نقد داریم، یا این که آن‌ها به‌مبارزه طبقاتی طبقه کارگر کم بها می‌دهند؛ یا این که به‌طور کلی سیاست‌هایشان دارای اشکالاتی است و یا این که آینده روژاوا روشن نیست و...، لاقلاً از دیدگاه مبارزه سیاسی-طبقاتی پذیرفته شده نیستند. چرا که با شرکت و حضور فعال در این تحولات، بهتر و موثرتر می‌توان کمبودها و اشکالات این جریان را برطرف کرد تا این که صرفاً از دور نظارمگر بود و به‌نقد‌های نظری خود بسنده کرد. به‌علاوه کسی ادعا نکرده است که در روژاوا، انقلاب سوسیالیستی به‌وقوع پیوسته است! در واقع روژاوا به‌زمین شخم‌زده حاصل‌خیزی می‌ماند که

برای کاشتن هر محصولی آماده است و در این جاست که نقش و حضور سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و آنارشیت‌ها در این‌جا حائز اهمیت هم برای روژاوا و هم برای منطقه است.

اما وقتی ما تحولات روژاوا را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم نمی‌توانیم به نقش مهم و تئوری‌ها و سیاست‌های عبدالله اوجالان نپردازیم. ایده کنفدرالیسم دموکراتیک با خودمدیریتی دموکراتیک که اداره جامعه از پایین و توسط ارگان‌ها و نهادهای مردمی و دموکراسی مستقیم و به عبارت دیگر روابط و مناسبات شورایی است و مهم‌تر از همه در این تئوری‌ها به ور کلی فلسفه «ملت-دولت» رد می‌شود؛ یعنی مهم‌ترین ابزارهای حاکمیت بورژوازی نابود می‌گردد در واقع کل مناسبات سرمایه‌داری موجود و قوانین اساسی آن را دور می‌زنند همه و همه توسط اوجالان فرموله و تئوریزه شده و محصول تلاش‌های فکری اوجالان در ۲۳ سال اخیر در زندان جزیره امرالی است. زندانی که عبدالله اوجالان در آن‌جا ایزوله شده است. بنابراین، این تئوری‌ها نه تنها مغایرتی با جنبش کارگری و کمونیستی ندارند، بلکه زمینه‌های فکری و سیاسی و عملی برای رشد و شکوفایی سوسیالیسم علمی فراهم آورده است. کسانی که به روژاوا پشت می‌کنند و در عین حال خودشان را چپ و انسان‌دوست می‌نامند، نه تنها باید به چپ بودن و سوسیالیسم و کمونیسم این گرایش‌ها شک کرد، بلکه چنین سیاستی عملاً به نظم موجود سرمایه‌داری خدمت می‌کند و کم‌ترین ربطی به مبارزه سیاسی-طبقابت جدی ندارد.

چرا که مسیر ساختن یک جامعه سوسیالیستی و کمونیستی، از یک جاده مستقیم و آسفالت‌شده نمی‌گذرد، بلکه از جاده‌های پر پیخ و خم خطرناکی می‌گذرد که به جسارت، مقاومت، شکیبایی و پیگیری و سختی‌کوشی نیاز دارد! در این‌جا فقط تئوری‌ها و عقده‌گشایی‌های سیاسی نیستند که راهنمای حرکت به سوی افق روشنایی و اهداف تعیین‌شده می‌شوند، بلکه بدون پراتیک محکم سیاسی و اجتماعی، صرفاً این تئوری‌ها ره به جایی نمی‌برند؛ هیچ لقمه نانی را به سفره خالی کارگران و مردم محروم نمی‌افزایند و در حد اظهار نظر محفل‌ی باقی می‌مانند. بنابراین تئوری و پراتیک باید به‌مانند حلقه‌های زنجیر، آن‌چنان محکم و مقاوم به‌همدیگر بچسبند تا در یک مسیر مشترک و به‌مثابه یک مجموعه به سوی قله‌های آرزوهایشان حرکت کنند!

به امید این که عبدالله اوجالان، نه تنها آزاد شود، بلکه خودمدیریتی دموکراتیک در سراسر ترکیه پیاده گردد. و همه کسانی که تاکنون جنگ و خونریزی به‌ویژه علیه مردم کرد، ارمنی، علوی و...، همچنین مخالفین، جنبش‌های اجتماعی، سانسور و اختناق و ترور راه انداخته‌اند نه تنها محاکمه، بلکه از حاکمیت دور گردند به‌طوری که دیگر هیچ حزب و دولتی جرات تهدید و بازداشت مخالفین خود را نداشته باشد!

در واقع اوجالان در این ۲۳ سال، به‌طور سیستماتیک زیر فشارهای روحی، روانی و جسمی بوده است اما با وجود این، وی در زندان نیز به‌نوع دیگری به‌مبارزه موثر خود ادامه داد و با پیام‌هایی که از طریق وکلای خود به‌خارج از زندان و خطاب به جامعه می‌داد نقش سیاسی خود را در هدایت جامعه ترکیه به‌ویژه پ.ک.ک. و مردم کرد ایفا می‌کرد. ما این نمونه‌ها را در تاریخ کمتر و حتی به‌ندرت داریم. شاید نمونه نلسون ماندلا، نمونه خوبی در این مورد باشد.

کمپینی که برای آزادی آپو راه افتاده، طبیعتاً باید آزادی همه زندانیان سیاسی و تامین امنیت و برقراری آزادی‌های فردی و جمعی و آزادی اندیشه در ترکیه را مدنظر داشته باشد. هم‌زمان باید خواهان قطع جنگ خونین دولت و ارتش ترکیه علیه مردم کردستان ترکیه، علیه روژاوا و علیه حزب کارگران کردستان «پ.ک.ک.» شود.

بی‌تردید ضرورت دارد که از هر طریق ممکن این کمپین را تقویت کرد چه منتقد نظریات عبدالله اوجالان باشیم و یا طرفدار آن!

ممنونم از همه شما عزیزان که حوصله کردید و به سخنان من گوش دادید.

عبدالله اوجالان، حاضر در زندان و در جامعه

(متن سخنرانی بهرام رحمانی شنبه نهم اکتوبر ۲۰۲۱)

با تشکر از دست‌اندرکاران این برنامه و خوش‌آمد می‌گویم به حضار محترم.
۲۳ سال پیش عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان (پکک)، دستگیر شد. اوجالان در زندان نیز به مبارزه و تلاش خود برای ساختن جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی در ترکیه تلاش کرد به طوری که این حس به انسان دست می‌دهد که آید در هر دو سوی دیوار زندان و جامعه حضور فعالی دارد.

توطئه بین‌المللی علیه رفیق عبدالله اوجالان از ۹ اکتوبر ۱۹۹۸ آغاز شد تا این که وی در فرودگاه کنیا به کماندوهای ترکیه تحویل داده شد که آن‌ها با یک هواپیمای اختصاصی خود منتظر رسیدن ماشین اوجالان به فرودگاه بودند.
در واقع اوجالان در روز دوشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۷۷ برابر با ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ در یک عملیات هواپیمارمایی در نایروبی، پایتخت کنیا دستگیر شد. اکنون ۲۳ سال از آن واقعه سپری شده و طرفدارانش همواره برای آزادی وی تلاش کرده از جمله کوشیده‌اند در سال‌گرد ربودن وی و به یاد وی مراسم‌هایی را برگزار کنند. این جلسه هم یکی از همان مراسم‌هاست.

شعار اصلی این مراسم‌ها و کمپین‌ها نیز «آزادی همه زندانیان سیاسی - آزادی اوجالان» است. هدف از این مراسم‌ها و کمپین‌ها این است که افکار عمومی را به وضعیت مردم کرد در ترکیه و خاورمیانه و وضعیت اوجالان در زندان ایمرالی ترکیه جلب کند.

برای نسل جوان کردها اوجالان فقط یک شخصیت نمادین است که زندانی شده است. این نگاه از آنجا ناشی می‌شود که اوجالان بخشی از عمرش را در زندان به سربرده و در شرایط حبس نیز ایده‌های خود را ترویج کرده و از طریق وکلایش به دست مردم رسانده است.

اوجالان خود معتقد به سه مرحله در حیات خویش است. اولی دوران کودکی در روستایی از روستاهای شهر اورفا، دومین را تشکیل حزب کارگران کردستان و سومین دوره نیز «دوران زندانی شدن در امرالی»!

هدف از ربودن و زندانی کردن رهبر خلق این بود که او را بی‌تاثیر نمایند، اما اوجالان با در پیش گرفتن یک استراتژی جدید، راه مبارزه خویش را هموار نموده و با قدرتی تمام سکان حوادث را در دست گرفت. کار به جایی رسید که مقامات دولتی (چه در حالت‌های اعلام شده و چه اعلام نشده) قبل از تصمیمات سیاسی مهم، دیداری با وی ترتیب می‌دادند و جنبش نیز از طریق وکلا و بعدها نیز از طریق یک هیات سیاسی با ایشان ارتباط داشتند. اوجالان دادگاه‌هایی که قرار بود علیه‌اش برگزار شوند را با درایت سیاسی به فرصتی جهت ارائه نظرات فکری - سیاسی خویش تبدیل نمود. زندان برای وی فرصت بیش‌تری فراهم کرد تا به‌طور مستمر و پیگری به مطالعه بپردازد. وی تاکنون در زندان بیش از هزاران جلد کتاب و مطلب را مطالعه کرده است. اوجالان هر هفته روزهای چهارشنبه با وکلای خویش دیدار داشت و نتایج این مطالعات خویش را برای آنان بازگو می‌کرد، کتاب‌هایی را سفارش می‌داد و کتاب‌هایی را پیشنهاد می‌کرد تا رفقا و طرفدارانش و علاقه‌مندان مطالعه نمایند. لیستی از کتاب‌هایی تهیه شده که اوجالان در زندان مطالعه کرده و یا پیشنهاد مطالعه آنان را داده است، این لیست خود به‌صورت یک کتاب چاپ و در میان گریلاهای راه آزادی کردستان پخش شده است. متن ملاقات‌های وکلا با اوجالان در امرالی هر ساله به‌صورت کتاب منتشر می‌شدند.

در سال ۱۹۷۸ عبدالله اوجالان با همراهان انگشت‌شمار خود حزب کارگران کردستان پکک را تشکیل داد. آن‌ها تنها یک هدف داشتند و آن هم تاسیس کردستان مستقل و سوسیالیستی. وی در سال ۱۹۸۴ کردها را به جنگ مسلحانه

فراخواند و نبرد سخت و خونی را با بزرگترین ارتش ناتو یعنی ارتش ترکیه آغاز کرد. تا به امروز در نبرد حق‌طلبانه پکک با ارتش و پلیس و دولت ترکیه ده‌ها هزار انسان جان باخته‌اند.

اما در سال ۲۰۱۲، مذاکرات رسمی صلح دولت ترکیه با اوجالان آغاز شد و زمینه را برای تأسیس حزب «حزب دموکراتیک خلق‌ها» فراهم کرد. این حزب مسأله مردم کرد را به درون پارلمان ترکیه کشاند. به نظر، این یک دستاورد بزرگی برای اوجالان و مردم کرد و شکست بزرگی برای دولت ترکیه بود.

عبدالله اوجالان در سال ۲۰۱۴ به مناسبت سی‌امین سالگرد نبرد مسلحانه پکک با انتشار بیانیه‌ای از زندان جزیره «ایمرالی» در دریای مرمره پیام داد، که ترکیه اکنون در آستانه «تحولات تاریخی» قرار گرفته و جنگ ۳۰ ساله از طریق جایگزینی گفت‌مان دموکراتیک در حال به پایان رسیدن است.

اوجالان تأکید کرد که «تأسیس جمهوری دموکراتیک ترکیه و پی‌موندن مسیر دموکراسی رادیکال، یک اتوپیای غیرقابل دسترسی» نیست.

اما در ژوئیه ۲۰۱۵ حادثه‌ای اتفاق افتاد و ارتش ترکیه مناطقی از شهرهای سوروج و دیاربکر را بمباران کرد. رهبری پکک از قنبدیل به مبارزه و عملیات خود در خاک ترکیه ادامه دادند.

دولت ترکیه به مذاکرات صلح با اوجالان و پکک خاتمه داد و جنگ خود را به شمال سوریه به‌ویژه روژوا (کردستان سوریه) کشاند. همچنین بخش‌هایی از مرزهای با اقلیم کردستان عراق را به پایگاه‌های نظامی و امنیتی خود تبدیل کرد. رجب طیب اردو خان، رئیس جمهوری کنونی ترکیه و نخست وزیر سابق بارها این ادعای کاذب را پیش کشیده است که گویا «یگان‌های مدافع خلق» کردستان سوریه (روژوا) گروه مسلح کردی که در شمال سوریه تأسیس شده بازوی نظامی حزب کارگران کردستان است.

در حالی که نیروهای روژوا مستقل هستند اما به لحاظ سیاسی و نظری نزدیکی زیادی به اوجالان و نظریه‌های وی دارند. در واقع جنگ دولت ترکیه در شمال سوریه، در اصل ادامه جنگ علیه مردم کرد ترکیه است.

کردها در شمال سوریه مناطق وسیعی در مرز سوریه و ترکیه را تحت کنترل خود دارند. یگان‌های مدافع خلق در این مناطق قدرت سیاسی را به دست گرفته و به مسأله کردها ابعاد بین‌المللی داده‌اند.

برای بسیاری از کردهای سوریه و ترکیه یگان‌های مدافع خلق هم مثل عبدالله اوجالان برای حقوق کردها می‌جنگد. آثار عبدالله اوجالان عموماً به زبان ترکی بوده و سپس به عربی و کردی کرمانجی برگردانده شده‌اند. بعدها در حوزه کردی سورانی نیز برخی از مقالات و آثار ایشان ترجمه گردیده‌اند. از اواسط دهه نود سده گذشته نیز برخی از نظرات و کتاب‌های ایشان به زبان‌های اروپایی ترجمه شده و در اواخر همین دهه نیز شاهد اولین موارد ترجمه فارسی از نظرات ایشان هستیم.

بیش از صد جلد از آثار اوجالان وجود دارند که تاکنون هفتاد و دو مورد آن بررسی شده و نام آن‌ها به‌صورت لیستی تهیه گردیده است. سال ۲۰۱۹ کاتالوگی به زبان عربی از سوی «اتحادیه روشنفکران کانتون جزیره» در شمال و شرق سوریه منتشر شد و نام بیش از هفتاد تن از این کتاب‌ها در آن آمد. سال ۲۰۲۰ نیز کاتالوگی با همان هدف از طرف «مرکز نشر آثار و اندیشه‌های عبدالله اوجالان» به زبان فارسی منتشر گردید و نام هفتاد و دو کتاب در آن ذکر گردید. در هر دوی این کاتالوگ‌ها کتاب‌هایی از این لیست که به زبان عربی و فارسی منتشر شده بودند، مشخص گردیده‌اند. کار بر روی این لیست ادامه دارد.

با انتشار کتاب «راه انقلاب کردستان»، آثار اوجالان وارد مرحله جدیدی شد و دوران کتاب‌هایی که آغاز گردید تا به امروز نیز نظیر آن در تاریخ جنبش‌های کردی وجود نداشت. کتاب‌هایی که حاوی تحلیل‌های جامعه‌شناختی، سیاسی،

فرهنگی و حتی روان‌شناختی بوده و همگی با هدف تحلیل مسائل و مشکلات و نشان دادن رهیافت برون‌رفت از آن‌ها و ارائه استراتژی و تاکتیک‌های لازمه جهت پراتیک کردن به رشته تحریر درآمدند. «راه انقلاب کردستان» با ارائه تحلیلی از اوضاع جهان و کردستان و ارائه تعریفی منسجم از شیوه‌هایی که در کردستان با اتکا به آن‌ها می‌توان انقلاب انجام داد، راه مبارزه و پیکاری را روشن کرده که بیست سال بر اساس آن انجام شد. تحلیلاتی که در این کتاب آمده‌اند، تاکنون نیز محکم و قاطع قادر به روشن نمودن بسیاری از مسائل کنونی کردستان است.

«مسأله زن و خانواده» و «چگونه باید زیست» (جلد اول و دوم) تحلیل‌های مهمی درباره شخصیت زن و مرد کرد، خانواده کردی و انتقاداتی عمیق از فلسفه حیاتی کردها است. این نوع از تحلیل‌ها به بنیان پیشرفت زنان در سازمان و تشکیل سازمان زنان و سپس ارتش ویژه زنان منجر شد که بنیان‌های واقعی «یگان‌های دفاع از زنان» (YPJ) را در انقلاب روژآوا و شمال شرق سوریه تشکیل داد؛ یگان‌هایی که داعش وحشی را شکست دادند.

بی‌تردید این حوزه از مبارزات اوجالان، یعنی تعریف صحیح از شخصیت زن در تاریخ، تحلیل جامعه جنسیت‌گرا، و به قول خودش کشتن شخصیت مردانه (همان‌گونه که در کتاب «کشتن مردانگی» در مصاحبه با «ماهر سایین» از روزنامه‌نگاران ترک آن را تعریف کرده بود و بازتاب وسیعی در ترکیه و خارج کشور یافت)، مهم‌ترین حوزه مبارزاتی فکری و عملی اوجالان بود که امروزه و در آثار اخیرش تحت نام «ژنولوژی» (زن‌شناسی) مورد توجه جهانیان و بویژه زنان قرار گرفته و مرزهای فمینیسم را پشت سر گذاشته است.

«انقلاب اجتماعی و حیات نوین» و «عشق کرد» نیز کتاب‌هایی در همین حوزه هستند که در سال‌های متفاوتی چاپ شده‌اند. این همان حوزه‌ای است که علاقه‌مندان مبارزات زنان کرد به اقتضای منافع جهانی و خواست‌های صاحبان قدرت، عدا و یا سهوا بدان نمی‌پردازند و تنها سعی دارند جوانب ظاهری این مبارزات را به مضمون نوشته‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌هایی تبدیل نمایند که در آن هنر و معرفت باز هم از آنانی است که از «سایر جاها» آمده و زنان کرد با کمک آنان می‌جنگند!

«تکوین ارتش زنان» نیز یکی دیگر از کتاب‌های مهم اوجالان در این حوزه است که در آن به مسائل پیش روی تشکیل ارتش زنان و توسعه‌اش می‌پردازد.

«امید صلح»، «نت‌های امرالی» و چندین کتاب دیگر حاوی این دیدارهاست که با مطالعه آن‌ها می‌توان به روند مبارزات اوجالان در زندان امرالی پی برد. اوجالان در زندان تک‌سلولی امرالی و در شرایط روانی بسیار دشوار آن‌جا (سال‌های سال حق دست دادن به کسی و تماس فیزیکی را نداشت، بارها به‌عنوان مجازات، حق تنفس را از ایشان گرفتند، در یک اقدام عجیب، شاخه‌ی درختی را که از پنجره‌ی سلول پیدا بود را بریدند تا هیچ چیز از طبیعت را نبیند! بارها کتاب‌ها و حتی دفتر و قلم را از وی گرفته و رفتارهای نانسانی بسیاری روا داشتند) آثار متفکران بزرگی را مطالعه کرده و در نتیجه این مطالعات و با پشتوانه‌ی ذهنی و فکری پیشین خود، توانست کتاب‌هایی را در قالب دفاعیات ارائه دهد که اکنون به پس‌زمینه‌ی اصلی تفکرات جنبش آزادی‌خواه تبدیل گشته‌اند. این همان پس‌زمینه «انقلاب روژآوا» است که گفتیم جهانیان سهوا و عموماً عدا از آن سخن نمی‌گویند! یعنی تفکرات کردی موجود در پس مبارزه‌ای که علی‌رغم داشتن تضاد جهانی، توانسته بر سر پا مانده و رو به نتایجی بزرگتر می‌رود. این تفکرات همان «کتاب کردها» است که شاعر بزرگ احمد خانی از آن سخن گفته است. احمد خانی خود متفکری دین‌دار و مسلمان بود و بدون شک مقصود او از «کتاب»، کتاب و تفکری ملی است و نه کتابی دینی؛ و اوجالان همان‌گونه که در کتابی گفته بود: «احمد خانی جنبه ادبی این نقص را برطرف نمود، اما جنبه‌ی سیاسی-اجتماعی و نظامی آن باقی مانده است»، خود دست همت به کمر بست و با بیش از چهل سال مبارزه، این نقص را برطرف نمود.

یکی از دفاعیات عبدالله اوجالان نیز «کرد آزاد، هویت نوین خاورمیانه» می‌باشد. هنگام ورود عبدالله اوجالان به یونان، دولت یونان که طی یک معامله ناجوانمردانه و برعکس قول‌هایی که داده بودند، اوجالان را نپذیرفته و توطئه‌ی بین‌المللی از آن‌جا آغاز گردید. دولت یونان جهت پرده‌پوش کردن توطئه و دسیسه خویش در دادگاه شهر آتن علیه عبدالله اوجالان اقامه دعوا کرده و ورود ایشان را «غیرقانونی» خوانده بودند. اوجالان از این اقامه دعوا استقبال کرده و از راه وکلای خویش دفاعیه‌ای که ذکر آن رفت را به دادگاه ارائه نمود. اولین جمله دفاعیه حاکی از «تغییر پارادایم» فکری اوجالان بوده و به صراحت اعلام کرد که از مدرنیستی گذار نموده و راه و روشی نوین را در تفکرات خویش در پیش گرفته که متفاوت از پارادایم حاکم بر مبارزات آزادی‌بخش می‌باشد. این کتاب که حدود صدوبیست صفحه بوده و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است، چارچوب کلی افکار نوین اوجالان را بازتاب می‌دهد. شاید یکی از بهترین تفاسیر ارائه گشته از تمدن یونان و تضاد و چالش کنونی حاکمیت یونان با ریشه‌های خویش را نشان می‌دهد. کتاب مذکور سال ۲۰۰۳ منتشر گشته و در همان سال به چندین زبان ترجمه و چاپ گردید.

کتاب «مانیفست تمدن دموکراتیک» مجموع تفکرات اوجالان است که با وجود محتویات عمیق و دشوار خویش با زبانی تا حد ممکن ساده نوشته شده، نقشی بی‌نظیر در ساختن ذهنیتی نوین و شیوه‌ای نوین در زندگی کردها و منطقه ایفا نموده و خواهد نمود. این کتاب زیربنای همان سیستمی است که در انقلاب روزآوا به اجرا درآمده و توجه جهانیان را به خویش جلب نموده است.

هم آن بخش از کتاب‌های اوجالان که قبل از دوران اسارت نوشته بود و هم دفاعیات ایشان هر کدام دارای سرگذشت و تاریخی است که به تنهایی می‌تواند به موضوع کتاب‌هایی تبدیل شوند. اما کتاب «مانیفست تمدن دموکراتیک» شرح حال تلاشی بزرگ و نستوه در دشوارترین شرایط و با کمترین امکانات از طرف انسانی است که با قدرتی عظیم مرزهای مکانی (زندان) و زمانی (در حالی که در خارج از زندان جنگی تمام‌عیار علیه او و خلقتش در جریان است) را واقعی ننهاد و با تکیه بر ذهن و استعداد انسانی و با تفکر و باوری قوی به مبارزه‌ای فکری پرداخته که بازتاب عملی آن نیز بر همگان آشکار است. انقلاب روزآوا و پیشرفت‌های «حزب دموکراتیک خلق‌ها» در ترکیه محسوس‌ترین نتایج این تلاش بودند که کسی نمی‌تواند منکر عظمت هر دو باشد. با این تفکرات بود که خلق کرد از حالت خلقی که با نابودی رو در رو گشته بود، به پر جنب‌وجوش‌ترین خلق منطقه تبدیل گشته و پیشاهنگی تغییر واقعی و اصولی و در عین حال دموکراتیک و معاصر را تقبل کرده و می‌رود که منطقه را رو به روشنایی رهنمون گردد. این همان روشنایی اهورایی است که هزاران سال بعد به دست فرزندی از فرزندان این سرزمین اهریمن را به تاریکی خواهد راند و «بهار خلق» ها رقم زده و هر روز را «نوروز» خواهد کرد.

در واقع اوجالان در زندان ترها و تنوری‌های خود فرموله کرده است. گفته می‌شود آثاری که وی تاکنون نوشته حدود ۱۰۰ جلد است. همچنین گفته می‌شود وی در این سال‌های زندان بیش از ۳۵۰۰ جلد کتاب خوانده است. خودش در آثارش از این شخصیت‌ها نام برده است: بوکچین، والرشاین، برودل، نیچه، فوکو، گوندر فرانک، گوردن چاپلید، گیدنز، هانتینگتون، برژینسکی و...

اما از میان همه این شخصیت‌ها، ایده‌های ماری بوکچین در نوشته‌های زندان اوجالان پررنگ‌تر است. بوکچین، پایه‌گذار ایده اکولوژی اجتماعی یا جریان معروف به اکوآنارشیسم است. بوکچین از دهه ۱۹۵۰ تا زمان مرگش در ۲۰۰۶ کوشید نظریه یک جامعه اکولوژیک دموکراتیک را پایه‌ریزی کند.

همین ایده‌های بوکچین بود که اوجالان آن‌ها را برای پی‌ریزی KCK به‌کار گرفت. در ۲۰۰۲ شروع به خواندن آثار بوکچین کرد و به‌ویژه از اکولوژی آزادی و شهرنشینی بون شهر ۳ تاثیر گرفت. از طریق وکلایش، خواندن شهرنشینی

بدون شهر را به تمام شهرداران در کردستان ترکیه و اکولوژی آزادی را به همه مبارزان توصیه کرد. در بهار ۲۰۰۴ به بوکچین پیغام داد که خود را شاگرد او می‌داند و مشتاق است ایده‌هایش را برای جوامع خاورمیانه به‌کار ببرد.

بوکچین، به‌ویژه در کتاب اکولوژی آزادی، به تفصیل توضیح می‌دهد که جامعه سلسله‌مراتبی چه‌طور پدیدار شد و بسط یافت، چه مقاومت‌هایی در طول تاریخ در مقابل آن صورت گرفته است، و چگونه می‌توان از شر آن خلاص شد. او لازمه خلاصی از این نظام‌های سلسله‌مراتبی را برپایی جوامع اکولوژیک دموکراتیک می‌داند؛ جامعه‌ای که شهرها در آن مرکزیت ندارند، مردم در قلمروهایی با وسعت کوچک زندگی می‌کنند که خودشان بر آن حکمرانی دارند، مواد غذایی را خودشان در محل کشت می‌کنند، و از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کنند. این جامعه جدید نه بوسیله بازار یا تحکم یک دولت، بلکه از جانب تصمیمات اخلاقی و کمونال خود مردم راهبری می‌شود.

هم بوکچین هم اوجالان در آثارشان به تشریح تحولات تاریخی تمدن می‌پردازند. هر دو به ریشه‌های تمدن پرداخته‌اند؛ بوکچین از جمله در اکولوژی آزادی و شهرنشینی بدون شهر و اوجالان از جمله در از دولت کاهنی سومر به‌سوی تمدن دموکراتیک (۱۳۸۱) و در نقشه راه (۱۳۹۱).

هر دو تحلیل تاریخی‌شان را از جوامع پارینه‌سنگی آغاز کرده‌اند، به برآمدن کشاورزی و مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی پرداخته‌اند و به همین‌ترتیب به برآمدن دین، دولت، حکومت، ارتش، امپراتوری‌ها، اشرافیت، و فئودالیسم. در نهایت به مدرنیسم رسیده‌اند و از روشنگری و علم و تکنولوژی و صنعت و سرمایه‌داری گفته‌اند.

بوکچین در شهرنشینی بدون شهر به مصادیق این جوامع ارگانیک پرداخته است: از آتن باستان و نخستین شهرها در ایتالیا و آلمان گرفته تا کمون پاریس در ۱۸۷۱ و سویت‌ها در روسیه در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ و انقلاب اسپانیا در ۱۹۳۶-۳۷ و حتی نمونه‌های امروزی آن‌ها در قصبه‌های نیوانگلند ۲۸ در منطقه نیوانگلند ایالات متحده آمریکا. او، بر خلاف مارکسیست‌ها، نشان می‌دهد چه‌طور انقلاب نه از کارخانه بلکه از شهر آغاز می‌شود.

اوجالان نیز در آثاری که در امرالی نوشت به مسیری مشابه با بوکچین رفت. به تمدن سومر پرداخت و زیگورات‌ها را زادگاه نهاد دولت خواند (اوجالان، ۱۳۸۱) روحانیان سومری را که آن‌ها را ساختند «نخستین معماران قدرت سیاسی متمرکز» خواند که معابد را در شهرها برپا کردند و همین شد که از دل شهرها دولت‌ها و امپراتوری‌ها و تمدن‌ها سربرآورد.

نخستین دولت در سومر تشکیل شده و به تعبیر اوجالان «تاریخ در سومر آغاز شده است»، اما نخستین مقاومت‌ها در مقابل دولت هم در همین سومر شکل گرفته است. نکته آن‌که تعبیر آزادی نیز نخستین بار در تاریخ در سنگ‌نوشته‌های به‌جا مانده از سومریان به خط میخی دیده شده در توصیف یک انقلاب عمومی موفقیت‌آمیز در مقابل شاهان مستبد است.

اوجالان در کتاب دفاع از یک خلق (۱۳۸۳) از جامعه طبیعی سخن می‌گوید که نظیر جامعه ارگانیک بوکچین است. وی نتیجه می‌گیرد که «جامعه انسانی، نه بر روابط حاکمیتی درازمدت بلکه بر روابط مبتنی بر همبستگی درازمدت استوار است. طبیعت را همچون مادری می‌پندارد که در دامن آن بزرگ شده است و همبستگی میان انسان و طبیعت مبنای زندگی است.» (اوجالان، ۱۳۸۳). با این وصف، در جامعه طبیعی مردم به‌مثابه بخشی از طبیعت زندگی می‌کنند و جماعات ۳۰ بشری بخشی از اکولوژی طبیعی است.

اوجالان معتقد است خواست زندگی در جامعه طبیعی که آزادی و برابری را برای انسان فراهم می‌آورد، شرایطی که بشر در دوره‌ای طولانی بر مبنای آن زیسته است، هیچ‌گاه نابود نشده و نمی‌شود و برپایی دولت‌ها و نظام‌های سلسله‌مراتبی فقط بروز و ظهور آن را مانع شده است. (اوجالان، ۱۳۸۳). خواست برپایی جوامع طبیعی در میان

گروه‌های قومی و جنبش‌های طبقاتی و گروه‌های دینی و فلسفی که همواره در طول تاریخ برای دستیابی به آزادی مبارزه کرده‌اند تداوم داشته و در تعارض دائمی با جامع سلسله‌مراتبی بوده است:

«جامعه طبیعی هیچ‌وقت از بین نرفته است... همیشه از توانایی هستی‌بخشیدن به خود برخوردار بوده است. چه به‌عنوان اتنیسیته، برده و سرف، چه به‌عنوان زمینه‌ای برای سپری شدن طبقه کارگر و ظهور جامعه جدید، چه به‌عنوان جامعه کوچ‌نشین جنگل و صحرا، چه به‌عنوان روستایی آزاد و خانواده متکی بر مادر علی‌رغم تمامی تخریبات انجام شده به‌عنوان اخلاق زنده جامعه هیچ‌گاه میدان را خالی نگذاشته است. (اوجالان، ۱۳۸۳)

به این ترتیب، اوجالان به ما فراخوان می‌دهد تا یک «جامعه دموکراتیک اکولوژیک» تاسیس کنیم.

«بیانیه کنفدرالیسم دموکراتیک کردستان» که اوجالان در مارس ۲۰۰۵ منتشر کرد فراخوانی است برای ایجاد یک «ساختار کمونال-دموکراتیک» مبتنی بر جامعه طبیعی که در آن «تصمیمات اجرایی اصلی از آن مجلس روستا، محله و شهر و نمایندگان آنان است. بنابراین، تصمیمات خلق و توده‌های آن است که اعتبار دارد.» نظامی که:

«سیستم دموکراتیک غیردولتی خلق است. سیستمی است که تمامی اقشار خلق و در راس آنان، زنان و جوانان، سیاست سازماندهی دموکراتیک خود را تعیین کرده و بر اساس شهروند کنفدراسیونی مستقیم و برابر، مجالس شهروند آزاد خود را در منطقه ایجاد می‌کنند... نیرویش را از خلق گرفته و در عرصه اقتصاد نیز در پی رسیدن به خودکفایی است.»

وقتی بوکچین در جولای ۲۰۰۶ از دنیا رفت، PKK در پیام تسلیت خود گفت: «تر بوکچین درباره دولت، قدرت، و سلسله‌مراتب با مبارزت ما به اجرا درمی‌آید و محقق می‌شود... ما این امید را برای عمل در این راه حفظ می‌کنیم تا نخستین جامعه‌ای باشیم که یک کنفدرالیسم دموکراتیک ملموس را برپا می‌کند.»

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که عبدالله اوجالان طی یک توطئه بین‌المللی ربوده و به دولت ترکیه تحویل داده شد، اکنون ۲۳ سال است که در یک سلول انفرادی زندان امرالی و تحت دشوارترین شرایط ناشی از انزوا، به تلاش‌های خود در راه احقاق حقوق و آزادی‌های مردم کرد و نیز مردم ترکیه و دیگر مردمان خاورمیانه متحمل رنج‌های فراوانی گشته است، اما دولت ترکیه نه تنها پاسخی به تلاش‌های صلح‌طلبانه اوجالان در راستای حل مسأله کرد نداده بلکه رابطه ایشان با جهان خارج را قطع کرده است، به نحوی که کلیه اصول و معیارهای انسانی و حقوق و قواعد حاکم بر قوانین جهان‌شمول را به تمامی زیر پا گذاشته است.

از سوی دیگر دولت ترکیه با همکاری گروه‌های تروریست و مذهبی، مناطق «عفرین، سریکانی و گری‌سپی» را در شمال و شرق سوریه (روژاوا) اشغال کرده و در حال تغییر بافت انسانی این مناطق است.

همچنین به دفعات منطقه شنگال (سنجار) و اردوگاه آوارگان مخمور مورد حمله هوایی قرار داده که در نتیجه این حملات نیز شمار چشمگیری از شهروندان غیرنظامی جان باخته و یا مجروح شده‌اند.

ما باید کمپین آزادی عبدالله اوجالان را گسترش دهیم. به‌خصوص اکنون سلامت و زندگی وی به‌طور جدی در معرض خطر قرار گرفته و در سال‌های اخیر به شدت ایزوله شده است.

در حقیقت ما باید از هر طریق ممکن توجه افکار عمومی به این مسأله مهم جلب کنیم که تداوم حبس، حصر و انزوای شدید رفیق عبدالله اوجالان و همچنین عدم پاسخ‌گویی دولت ترکیه، هرچه بیش‌تر به ناآرامی و بی‌ثباتی ترکیه، کردستان و خاورمیانه منجر شده است. از همین رو ما با صدای بلند نه تنها خواهان پایان دادن به انزوای اوجالان، بلکه خواهان آزادی ایشان هستیم!

به‌نظرم بسیار مهم است که در کشورهای مختلف سخن‌گویی با اسم و رسم و شماره تلفن به رسانه‌ها و افکار عمومی اعلام شود تا علاقه‌مندان به راحتی بتوانند با آن‌ها و کمپین آزادی اوجالان ارتباط برقرار کنند.

با تشکر از مجریان و سخنرانان و حضار.